

متن پرسش

سلام علیکم: با عرض شرمساری در ارتباط با مطالبی که در مورد جناب دکتر داوری اردکانی در کتاب «انقلاب اسلامی طلوع جهانی بین دو جهان» مطرح شد، چند مطلب را خدمت تان عنوان می‌کنم امیدوارم تذکرات لازم را مرحمت فرمایید: اولاً: این اشارات جنابعالی بود که ما متوجه اندیشه‌های بسیار بلند جناب دکتر داوری شدیم و توانستیم با این پدیدار به نحو خوبی ارتباط برقرار کنیم. و از این جهت از شما خاضعانه سپاسگزارم. بنده شخصاً نه تنها از ارادتم به انقلاب چیزی کم نشد بلکه چندین برابر شد. و لذتی که از کتاب «انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم» دکتر داوری یا آن مقاله‌ی ایشان در مورد امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» بردم وصف ناشدنی است. ثانیاً: آنچه که بنده با نظر به اندیشه‌ها و جایگاه جناب دکتر داوری متوجه شدم، این هست که ایشان در مواجهه با غرب و مدرنیته رسالتی را برای خودشان تعریف کرده‌اند تا هر چه بیشتر و بهتر ذات غرب و جهان مدرن و در نتیجه درد و بلای «توسعه نیافتگی» و «بی‌تاریخی» که ما را دربرگرفته است را برای ما شفاف و روشن کنند تا ما عمیقاً و دقیقاً به یک خودآگاهی تاریخی نائل شویم. تا اینجا به نظرم ایشان سرآمد روزگار خودشان هستند و نظیر ندارند. کما اینکه «امام و رهبری» در مواجهه با چهره‌ی استکباری جهان مدرن و نظر به سنن الهی نظیر ندارند. و «حاج قاسم» هم به عنوان بازوی امام و رهبری در مواجهه با خنثی کردن نقشه‌های استکبار در منطقه نظیر ندارد. لذا با در نظر گرفتن این نکات ما متوجه می‌شویم که خدای متعال برای مواجهه با غربی که چهره‌ها و اضلاع گوناگونی دارد، شخصیت‌های تاریخی مختلفی را پروریده و وارد میدان کرده که هر کدام گوشه‌ای از کار را گرفته و با همدیگر «پازل» جبهه‌ی نورانی و تاریخی انقلاب اسلامی را تشکیل داده‌اند. از نظر این حقیر دلیری و روح حماسی و انقلابی عجیبی در اندیشه و شخصیت جناب دکتر داوری در مواجهه با تفکر فلسفی غرب پنهان است. کافی است به حکم «تعرف الاشياء باضدادها» ببینیم چه شخصیت‌ها و جریاناتی به خون ایشان تشنه هستند! حال که جناب دکتر داوری ما را به خوبی بیدار می‌کنند و متذکر دردها و مسائل و مشکلات تاریخی مان می‌کنند، اینجاست که باید عمیقاً متوجه جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی باشیم به عنوان راه خروج از باتلاق توسعه نیافتگی و حبل‌اللهی که از افق آینده و پس فردای تاریخ به سوی خرابه‌ی امروز ما تابیده تا ما راه نجات را ماوراء دوگانه‌های «توسعه یافته و توسعه نیافته»، «سوژه و ابژه»، «تضاد سنت و مدرنیته»، پیدا کنیم و از درد و بلای بی‌تاریخی و نومیدی نجات پیدا کنیم و در حلقه و قوس و خط توحیدی که بین گذشته و آینده و بین حضرت آدم تا حضرت مهدی علیهما السلام وجود دارد، قرار بگیریم. ان شاء الله طیبِ عشق مسیحا دم است و مُشْفِق، لیک/ چو دَر در تو نبیند که را

دوا بکنند؟ یا به قول دکتر داوری: «اگر درد را احساس کردیم درمان هم میسر می شود» حرف زیاد است. جهت جلوگیری از اطاله کلام، به همین اندازه اکتفا می کنم. عذرخواهم.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله بسیار خوب متوجه جایگاه استاد عزیز جناب آقای دکتر رضا داوری اردکانی شده‌اید. حقیقتاً ایشان با نظر به تجربه‌ای که بنده نسبت به ایشان داشته و دارم، شخصیتی می‌باشند رازگونه و فوق‌العاده عمیق، و اگر بخواهیم در این زمانه و در این تاریخ، سالکی را مدّ نظر آوریم که در عین جهانی بودن نسبت به درک انسان نسبتی اساسی با حقیقت داشته باشد و دغدغه هدایت بشر امروز در او فعال و سرزنده باشد؛ بنده آقای دکتر رضا داوری را می‌دانم. اگر گفته شده است: «گویا ولیّ شناسان رفتند از این ولایت»، به جهت آن است که ما هنوز در سلوک فردی به دنبال سالکان هستیم. در حالی که حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله‌تعالی» در جای خود با آن نحوه سیاستمداری و دکتر رضا داوری با آن نحوه اندیشه‌ورزی، سالکان این روزگارند. به نسبت دکتر داوری با آوینی و سخنانی که ایشان بعد از شهادت آن شهید بزرگوار فرمودند، نظر کنید تا معنای حضور تاریخی دکتر داوری را بیابید. موفق باشید